معنای غفرانِ گناهان گذشته و آینده

شماره پرسش: ۲۱۸۴۵

تاریخ ارسال پرسش: ۰۳:۱۰:۳۰ ۱۳۹۷/۱/۲۸

متن پرسش

با سلام خدمت استاد بزرگوار: سوالم اینست که در برخی روایات در پاداش فلان عمل آمده که باعث آمرزش گناهان گذشته و آینده است (مانند روزه ی روز آخر رجب در مفاتیح). چطور ممکن است گناهانی که در آینده مرتکب خواهیم شد در عین کثرت و بزرگی آمرزیده شود؟ لطفا درباره ی آمرزش گناهان آینده که در این دست روایات آمده توضیح بفرمایید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بیشتر این نوع روایات نظر به ساختن شخصیتی دارد که آن شخصیت در اثر اعمال معنوی، تصمیماتش الهی می‌شود و لذا با چنین شخصیتی آینده‌ی خود را شکل می‌دهد و این آینده، آینده‌ی انسان گناه‌کاری نخواهد بود و این‌که می‌فرمایند گناهان گذشته و آینده آمرزیده می‌شود؛ بیشتر یک اصطلاح است، نه آن‌که گمان کنیم خداوند مانع گناه انسان در آینده‌ی او می‌شود و انسان را از اختیار خارج می‌کند. و این‌که قرآن می‌فرماید: «لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا». خداوند در آيۀ دوم سوره‌ی فتح مي‌فرمايد :گناهان گذشته و گناهان آيندۀ تو را مي‌بخشيم .***علامۀ طباطبائي*** مي‌فرمايند :از آن‌جايي كه ما همواره واژۀ ذنب كه به گوشمان مي‌خورد ، بلا فاصله گناه به ذهن ما خطور مي‌كند . و حال آن‌كه معناي واقعي ذنب گناه نيست ؛ بلكه آثار سوء است . و از كلمۀ « غفران » هم ما معمولاً معناي بخشش را استفاده مي‌كنيم ؛ و حال آن‌كه معناي غفران پوشش است نه بخشش . و لذا در اين جا قرآن مي‌فرمايد :اي پيامبر ! ما فتح مبيني را نصيب تو كرديم ، تا بپوشانيم براي تو آن‌چه را كه مقدم شده از آثار سوء و آن‌چه كه تأخير افتاده . خداي عالم نعمتش را با اين بر شما تمام كرده است .در اين جا با توجه به اين قضيۀ صلح حديبيه يا فتح مكه ، مراد از اين «ذنب» آثار سوئي است كه در نزد قريش نسبت به نبي مكرم بوده است ؛ چه قبل از هجرت ، چه بعد از هجرت . پيغمبر اكرم ، قبل از هجرت تمام بساط عقيدتي قريش را بهم زد و با مباني اعتقادي و بت پرستي آن‌ها مبارزه كرد . و بعد از هجرت هم رسول اكرم صلي الله عليه و آله و سلم در غزوات متعدد شخصيت‌هاي برجستۀ قريش را به خاك مزلت انداخت و لذا قريش نسبت به نبي مكرم ، كينۀ سخت در دل داشتند و آثار سوئي از اين عمل كرد نبي مكرم ؛ چه قبل از هجرت و چه بعد از هجرت ، در دل قريش بود ؛ همان‌گونه در رابطه با حضرت موسي عليه السلام هم كه وقتي خداي عالم او را مأمور مي‌كند براي هدايت بني اسرائيل و غبطيان مي‌گويد :«وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ» (الشعراء / ۱۴) من نسبت به غبطيان احساس مي‌كنم كه ذنبي

دارم. ذنب گناه نيست. حضرت موسي آن غبطي را كه در حال تعدي و تجاوز بود ، و نيز محدور الدم بود ، او را از ظلم دفع كرد و نه تنها گناهي نكرد ؛ بلكه به وظيفهٔ بندگي و الهي‌اش عمل كرد . « وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ » يعني آثار سوئي از اين عمل‌كرد من در اذهان بني اسرائيل و غبطيان و فرعونيان است « فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ » مي‌ترسم اين غبطيان به خاطر اين آثار سوء مرا بكشند . و لذا در سورهٔ فتح هم خداي عالم مي‌فرمايد: پيغمبر! آثار سوئي كه از عمل‌كرد تو ؛ چه قبل از هجرت ، چه بعد از هجرت در نزد مشركان قريش بود و از اين كار شما قريش در دل كينه داشتند ، و تصميم گرفته بودند مادامي كه انتقام نگيرند از جا ننشينند ؛ ولي ما با اين فتحي كه نصيب تو كرديم ، شوكتي كه براي تو در اين فتح عنايت كرديم ، مشركان قريش از هر گونه انتقام‌گيري ، مأيوس شدند و ديگر آن آثار سوئي كه در نزد قريش نسبت به تو بود ، خداي عالم همه را پوشش داد .لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ ؛ يعني خداي عالم پوشش داد آن‌چه كه قبل از هجرت و آن‌چه بعد از هجرت از آثار سوئي كه در نزد قريش بود ، از تو پوشش داد .(علامه طباطبائي در ج ۱۸ الميزان ، ص ۲۵۴ - تفسير نمونهٔ عربي «الأمثل » ج۱۶ ، ص ۴۲۲). موفق باشيد